

# همایش خلیج فارس در گذر زمان

با سخنرانی و حضور

- عباس آذرخش
- محمود جعفری دهقی
- مرتضی رضوانفر
- محمد تقی رهنمائی
- محمدرضا سحاب
- عباس سعیدی
- رضا شیرازیان
- پیام شمس الدینی
- محمد علی عزت زاده
- جان الله کریمی مطهر
- مجید کریمی
- روبن گالیچیان
- علی اکبر محمودیان

زمان: شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ ساعت: ۱۶/۳۰

مکان: خیابان نجات الہی (ویلا)، نبش خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن فردوسی

چکیدهٔ مقالات

همایش «خلیج فارس در گذر تاریخ»

تهران، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

گردآوری، ویرایش و چیدمان:

محمدعلی عزت زاده

## به نام خداوند جان و خرد

خلیج فارس یا شاخاب پارس در واقع یکی از مهم‌ترین آبراهه‌های جهان؛ و حلقه و محور ارتباطی میان آسیای غربی، جنوبی و جنوب شرقی، اروپا و آفریقا در منطقه خاورمیانه است. این آبراهه از نظر راهبردی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره و بخشی از سیستم ارتباطی شامل اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند به‌شمار می‌رود. از این رو، از دیدگاه بخشی از جاده ابریشم دریایی بوده و امروز نیز مورد توجه قدرت‌ها و بازیگران جهان است. همچنین بندرهای مهمی در حاشیه خلیج فارس وجود دارد که از آنها می‌توان بندرعباس، بوشر، بندر گنک، کیش، خرمشهر و ماهشهر در ایران؛ شارجه، دبی و ابوظبی در امارات متحده عربی، و بصره و فاو در عراق را نام برد.

افزون بر همه اینها، خلیج فارس مهم‌ترین منبع انرژی جهان است. در واقع بزرگ‌ترین عامل اهمیت خلیج فارس، وجود معادن سرشار نفت و گاز در بستر و مواصلات آن است؛ به طوری که در حدود ۳۰ درصد نفت جهان از منطقه خلیج فارس تنه‌ای می‌شود و از این رو، این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده‌اند. از این گذشته، نفت تولیدشده در حوزه خلیج

فارس باید از طریق این پهنه آبی و از راه تنگه هرمز به سایر نقاط جهان حل شود. پس خلیج فارس مسیر انتقال نفت کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان و امارات متحده عربی نیز هست و به همین سبب، منطقه‌ای مهم و راهبردی به شمار می‌آید.

در مجموع، از آنجا که خلیج فارس از نظر جغرافیای سیاسی، راهبردی، انرژی، تاریخ و تمدن، یک پهنه آبی مهم و حساس در جهان؛ و میراثی هویتی و حیثیتی برای ایران محسوب می‌شود؛ انجمن ایران‌شناسی ایران با همکاری مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و خاندان‌شناسان علوم انسانی بنا بر نوعی همکاری فرسنگی خود و اهمیت جهانی خلیج فارس، اقدام به برگزاری همایشی درباره پاره‌ای از ویژگی‌های آن نموده و امید دارد با حضور پژوهشگران و صاحب‌نظران به نجات تازه‌ای درباره این خط‌کراتقدر ایران عزیز دست یابد. چکیده مقالات دریافت‌شده همراه با برنامه همایش به پیوست ایفاد می‌گردد.

انجمن ایران‌شناسی ایران

بخش تحت

نام و پیشینه خلیج فارس

# نقش و جایگاه گویشهای ایرانی در خلیج فارس



## دکتر محمود جعفری دهقی<sup>۱</sup>

عضو هیأت علمی فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشگاه تهران

رئیس انجمن ایران‌شناسی ایران

## چکیده

دانش زبان‌شناسی استمرار کاربرد زبانها و گویشهای ایرانی را در منطقه خلیج فارس از دیرباز تا امروز روشن ساخته‌است. شواهد و اسناد تاریخی نیز نظریه‌های زبان‌شناسی را تأیید می‌کنند. سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان که بخش جنوبی فلات ایران را تشکیل داده؛ در عهد هخامنشیان عبارت از سرزمینهای درنگیانا (سیستان)، گنداره، گدروزی<sup>۲</sup> (بلوچستان)، کارمانیه<sup>۳</sup> (کرمان)، پارس، عیلام و خوزستان بوده‌است. کورش در جریان لشکرکشی یا در موقعیتی دیگر، از ایالات گنداره، گدروزی و کارمانیا عبور کرده‌است. وی ضمن احداث برخی شهرها، از جمله شهر سیروپولیس (کورش شهر) در مرزهای شمالی، به ایجاد قلعه‌ها و استحکاماتی در نواحی جنوب نیز پرداخته که از جمله آثار آن در قندهار قدیم (پایتخت هخامنشی هرخواتیش) به دست آمده‌است. فرمانروایان

---

<sup>1</sup> Email: mdehaghi@ut.ac.ir

<sup>2</sup> Gedrosia

<sup>3</sup> Carmania

هخامنشی توجه خاصی به خلیج فارس داشته‌اند. کورش، بنیانگذار امپراتوری هخامنشی، شهریان‌نشینی به‌نام عربایا در جنوب خلیج فارس و شمال عربستان ایجاد کرد. بنابر کتیبه‌ای به خط میخی و متن هیروگلیف که در ساحل آبراهه جایگاه اتصال دریای مدیترانه به دریای سرخ کشف شده، داریوش برای گشودن راه بازرگانی دریایی از شرق مدیترانه به خلیج فارس اقداماتی انجام داده‌است. اینها همه اسناد و شواهد حضور ایرانیان در منطقه خلیج فارس از کهن‌ترین ایام تا امروز است.

زبان‌شناسان زبانهای ایرانی را به سه گروه باستان، میانه و نو تقسیم کرده‌اند. از گروه زبانهای ایرانی باستان، چهار زبان فارسی باستان، اوستایی، سکایی و مادی شناخته شده است. زبانهای ایرانی میانه نیز شامل دو گروه میانه غربی، شامل زبان پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی؛ و میانه شرقی شامل زبانهای سغدی، بلخی، ختنی و خوارزمی است. زبانهای ایرانی نو نیز با دو عنوان شاخه غربی و شاخه شرقی از لحاظ آواشناسی تاریخی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. زبانها و گویشهای ایرانی نو غربی خود به چندین شاخه تقسیم شده که گویشهای جنوب غرب و جنوب شرق از جمله آنهاست. گویشهای ایرانی رایج در منطقه خلیج فارس غالباً در زمره زبانهای ایرانی نو شاخه جنوب غرب و جنوب شرق به شمار رفته و خود غالباً بازمانده و ادامه زبان فارسی باستان و زبان پهلوی ساسانی‌اند.

هدف از نگارش این مقاله معرفی گویشهای ایرانی منطقه خلیج فارس و بررسی نقش و جایگاه و برخی ویژگی‌های گویشهای مذکور است.

**واژه‌های کلیدی:** زبانهای ایرانی، خلیج فارس، فارسی باستان، فارسی میانه، زبانها و گویشهای ایرانی نو.



خلیج فارس

در نقشه‌ها و آثار

جغرافیدانان و نقشه‌نگاران جهان

استاد محمدرضا سحاب<sup>۱</sup>

نقشه‌نگار و پژوهشگر جغرافیا

رئیس هیأت مدیره مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

عضو هیأت مدیره انجمن ایران‌شناسی ایران

## چکیده

نقشه‌های خلیج فارس و به‌طور کلی نقشه‌های جهان را می‌توان به چهار گروه دوره باستان (از آغاز تا قرن هشتم میلادی)، دوره اسلامی (قرن هشتم تا پانزدهم میلادی)، دوره رنسانس (از قرن شانزدهم تا اواخر قرن هجدهم میلادی)، و دوره مدرن و امروزی (از اواخر قرن هجدهم تا قرن بیستم میلادی) بخش‌بندی نمود.

نگارنده به‌دنبال فعالیت‌های زنده‌یاد استاد عباس سحاب در مقابله با سازندگان اسامی جعلی<sup>۲</sup> درباره خلیج فارس، تلاش نموده تا با تهیه فهرستی از نقشه‌نگاران و جغرافیدانان مشهور

---

<sup>۱</sup> Email: sahabmap2@yahoo.com

<sup>۲</sup> سابقه جعل نام خلیج فارس: هنگامی که عبدالکریم قاسم در ۱۳۳۷خ در عراق کودتا کرد، اول بار کلمه مجعول «خلیج عربی» را رسماً عنوان نمود. البته مقدمات این کار قبلاً توسط انگلیسی‌ها فراهم شده و ←



این دوره‌های تاریخی و ارائه نمونه‌هایی از نقشه‌های معتبر و مستند آنان -از سراسر جهان به‌زبانهای مختلف- به اثبات حقانیت ایران و ایرانیان درباره اصلت نام «خلیج فارس» پرداخته، با روش علمی و مستند به سازندگان اسامی جعلی پاسخ دهد؛ و تا کنون علاوه بر انتشار مقالات متعدد در جراید و نشریات علمی و دانشگاهی و تألیف و انتشار چند مجلد کتاب و اطلس به‌زبانهای فارسی و انگلیسی<sup>۱</sup>، موفق گردیده که پس انتشار اطلس انجمن جغرافیایی ملی در واشینگتن<sup>۲</sup> با اسامی جعلی و جهت مبارزه با این روشهای غیر علمی، طی چهار مقاله جداگانه در باره دوره‌های تاریخی فوق‌الذکر به ترتیب در همایشهای خلیج فارس - بندرعباس (اسفندماه ۱۳۸۴)، خانه هنرمندان ایران - تهران (دی‌ماه ۱۳۸۴)، سازمان نقشه‌برداری کشور - تهران (آبان‌ماه ۱۳۸۵)، و آخرین بخش این سلسله مقالات یعنی «خلیج فارس در آثار نقشه‌نگاران دوره مدرن و امروزی» را در همایش جغرافیای

---

→ «چارلز بلگریو»، نماینده تام‌الاختیار انگلیسی‌ها در بحرین، در کتابی این‌گونه نوشته‌بود: «خلیج فارس که تازیان (یا اعراب) به آن "خلیج عربی" می‌گویند...»؛ در صورتی که هرگز چنین نبوده و در حقیقت این شخص با این صحبت بین مسلمانها تفرقه انداخته‌است.

پس از عبدالکریم قاسم، جمال عبدالناصر تغییر نام خلیج فارس را مطرح کرد. در آن زمان مسأله جنگ اعراب و اسرائیل و «پان‌عریسم» مطرح بود. با وجود آنکه فاصله خلیج فارس تا مصر چند هزار کیلومتر است؛ عبدالناصر چون نتوانست با اسرائیل مقابله کند، مسأله «خلیج عربی» را مطرح کرد تا به خیال خود بین اعراب وحدت ایجاد کند؛ اما «پان‌عریسم» او به بیراهه کشیده شد. او که بین اعراب از قدرت بالایی برخوردار بود، از اتحادیه عرب خواست بخشنامه‌ای به کشورهای عضو صادر کند که پس از آن به‌جای خلیج فارس، «خلیج عربی» و به‌جای خوزستان، «عربستان» نوشته شود. این دستورالعمل اتحادیه عرب در دسر ساز شد؛ زیرا حتی امروزه اعرابی که قبول دارند نام صحیح و تاریخی این دریا، «خلیج فارس» است، به دلیل مخالفت دولت‌های خود جرأت نمی‌کنند حقیقت را بنویسند.

<sup>۱</sup> اطلس خلیج فارس در نقشه‌های کهن به متن فارسی و انگلیسی در یک مجلد؛ و کتاب *Persian Gulf: Atlas of Old and Historical Maps 3000 BC-2000 AD* به متن انگلیسی در دو مجلد.

<sup>۲</sup> *The World Atlas of National Geographic Society, Washington*

تاریخی - تهران (اسفندماه ۱۳۹۳) ارائه نماید. علاوه بر آن در طول ۲۰ سال گذشته، بیش از ۶۵ مقاله و سخنرانی در زمینه اثبات حقانیت ایران در همایشهای خلیج فارس در دانشگاههای تهران و شهرستانها و مجامع بین‌المللی داخل و خارج کشور داشته‌است که ذکر یکایک آنها موجب اطالۀ کلام می‌شود.

اینک مفتخر است که به مناسبت همایش خلیج فارس در گذر زمان، بخش نوینی از این سلسله مقالات را تحت عنوان «خلیج فارس در نقشه‌ها و آثار جغرافیدانان و نقشه‌نگاران جهان» ارائه نماید. در این مقاله، سخن ما راجع به اطلس‌ها و نقشه‌هایی از این کشور باستانی یا خلیج و دریای پارس است که این دانشمندان در طول تاریخ در آثار خود ترسیم، چاپ و منتشر کرده‌اند. در این بخش، نقشه‌های مختلفی از آثار مستند و معتبری ارائه می‌شود که در تمامی آنها نام خلیج فارس به صورت «دریای پارس»، «بحر فارس»، «الخلیج الفارسی»، Sinus Persicus، Golfe Persique، Persian Gulf و اسامی مشابه به زبانهای مختلف به چشم می‌خورد. همراه با ارائه مقاله، چندین نقشه از مجموعه مورد بحث با توجه به میزان وقت، به صورت Power Point نمایش داده خواهد شد.



### دکتر عباس سعیدی

عضو هیأت علمی دانشکده جغرافیا،

دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

بدنه آبی بزرگ جنوب ایران از زمان باستان تاکنون، نزد کشورها و مردمان مختلف پیوسته «دریای پارس» یا «خلیج فارس» نام داشته‌است؛ تا آنجا که این نام را قدیمی‌ترین نام یک دریا در طول تاریخ به حساب آورده‌اند. افزون بر این، هیچ شاخه‌ای در گذر زمان این چنین مورد توجه تاریخ‌نویسان، زمین‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافیدانان، سیاستمداران، کارشناسان راهبردهای نظامی و بازرگانان نبوده‌است.

کهن‌ترین سند بازمانده که از این بدنه آبی یاد می‌کند، به کتیبه‌های داریوش اول در مصر بازمی‌گردد که به‌هنگام حفر آبراه‌ای که مصر (دریای سرخ) را به [دریای] پارس متصل می‌ساخت؛ از دریای پارس، دریایی که از پارس می‌آید، یاد می‌کند. منابع کهن یونانی و رومی درباره نام این دریا سخن رانده‌اند؛ هرچند گاهی در آنها، از جمله در گزارش هرودوت، خلط نام، حدود و وسعت این دریا دیده می‌شود. همین‌گونه خطاها در آثار

بعضی جغرافیدانان مشرق‌زمین، از جمله ادیسی هم وارد شده‌است. با این حال، نویسندهٔ *حدود العالم* در آغاز سدهٔ ۳ق / ۹م، با تکیه بر «کتابهای پیشینگان»، شرح روشنی از نام و حدود دریای پارس به دست می‌دهد. افزون بر آن، از نامهای محلی این دریا نیز خبر داده، می‌نویسد: «هر جایی را از این دریای اعظم بدان شهر و ناحیت بازخوانند کی بدو پیوسته است، چنان‌که دریای پارس و دریای بصره و دریای عمان و دریای زنگستان و دریای هند و آنچ بدین مانند».

بدین ترتیب، اسناد و مدارک تاریخی فراوانی حاکی از آن است که خلیج فارس پیوسته به نام اصلی خود، دریا و خلیج پارس خوانده می‌شده که البته در دوران باستان شامل دریای عمان امروزی هم بوده‌است. از این نام تا سالهای سال و تا دورهٔ معاصر و پس از تبدیل شیخ‌نشینهای منطقه به کشور، در سرزمینهای عرب نیز به‌نحو بلامنازع به‌صورت «خلیج فارس» استفاده می‌شده‌است.

با این همه، نامهای فرعی یا محلی خلیج پارس دستاویز بعضی سیاستمداران و نویسندگان شده تا اصالت نام اصلی این بدنهٔ آبی را مورد تردید قرار دهند. در این ارتباط، معلوم نیست که نام مجعول «خلیج عربی» دقیقاً از چه زمانی به کار برده شده‌است. ظاهراً بهره‌گیری از این نام مجعول، نخستین بار توسط جمال عبدالناصر در دههٔ ۱۹۵۰م / ۱۳۳۰ش صورت گرفت. در آغاز دههٔ ۱۹۷۰م / ۱۳۵۰ش، نقشه‌هایی به زبان انگلیسی و با نام مجعول «خلیج عربی» در کشورهای عرب ساحل غربی و جنوبی خلیج فارس به چاپ رسید. در عرصهٔ رسانه‌ها نیز تا ۱۹۷۷م / ۱۳۵۶ش، هیچ‌گاه از نام جعلی «عربی» برای این دریا استفاده

نشده بود؛ و شاید خبرگزاری ژین‌هوا<sup>۱</sup> (چین) نخستین خبرگزاری بود که از این عنوان استفاده کرد.

در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بعضی از کشورهای تازه‌تأسیس «نفتی» منطقه در راه «هویت‌جویی تاریخی»، زمینه‌ساز انتشار گسترده کتابها و مقاله‌های متعدد شده است. البته، انتشار این گونه نوشته‌ها توسط نویسندگان غربی و عرب با عنوان جعلی «خلیج عربی» در دو دهه اخیر، ظاهراً نمی‌تواند اتفاقی باشد.

این مقاله کوشش دارد ضمن بررسی منابع و مآخذ گوناگون و مرتبط با نام، حدود و وسعت خلیج فارس، نادرستی نامهای مجعول این دریا را که به دلایل آشکار و پنهان، مورد قبول و پشتیبانی برخی کارشناسان و سیاسیون نیز قرار گرفته، به نمایش بگذارد.

---

<sup>۱</sup> Xinhua



## خلیج فارس

### در جغرافیا و نقشه‌های ارمنی زبان

#### دکتر روبن گالیچیان (قالیچیان)

پژوهشگر نقشه‌های تاریخی ارمنستان و قفقاز جنوبی

#### چکیده

قدیمی‌ترین کتاب جغرافیای ارمنی زبان به نام «جهان‌نما»، در قرن هفتم میلادی تدوین شده و چند نمونه دست‌نویس آن به ما رسیده‌است. این نمونه‌ها در ماتناداران ارمنستان، کتاب‌خانه ملکی ایروان، گنجینه موزه اجمیادزین، کلیسای ارامنه اورشلیم، کتاب‌خانه‌های جماعت مخیتاریان در وین و ونیز، کتاب‌خانه بریتانیا، آکسفورد، و دیگر جاها نگهداری می‌شوند.

در نقشه‌های دست‌نویس به سه اقیانوس اشاره شده و اقیانوس هند، سومین آن است. در متن آمده که خلیج فارس و دریای عرب به اقیانوس هند می‌پیوندند؛ چیزی که برای زمان خودش بسیار دقیق عرضه شده‌است.

زمانی که چاپ‌خانه اسقف واناندیسی در سال ۱۶۸۵م در آمستردام تأسیس شد؛ یکی از نخستین کتاب‌های ارمنی‌زبانِ نفیسی که آنجا به چاپ رسید، نقشهٔ «جهان‌نمای جامع» در سال ۱۶۹۵م بود. به این منظور، اسامی همهٔ مکان‌ها به زبان ارمنی ترجمه شدند و خلیج واقع در جنوب ایران «خلیج فارس» نام گرفت. اسقف واناندیسی اهل نخجوان بود و به زبان فارسی هم تسلط داشت؛ بنابراین نام جهان‌نمای خود را به فارسی نیز نوشت و آن را «جهان‌بین» نامید.

از آن موقع تا کنون، در تمام نقشه‌های ارمنی‌زبانی که مناطق ایران و کشورهای همسایه را در بر دارند، نام خلیج جنوب ایران، همواره «خلیج فارس» نوشته و منتشر شده‌است. در سخنرانی امروز، نقشه‌های ارمنی‌زبان مربوط به سال‌های ۱۷۷۸، ۱۸۵۳، ۱۸۶۰، ۱۸۹۹، ۱۹۱۴، ۱۹۱۷، ۱۹۷۸، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ میلادی ارائه می‌شوند، که همگی نام «خلیج فارس» را به وضوح نشان می‌دهند. این خلیج در هیچ‌یک از نقشه‌ها «عربی» نامیده نشده‌است.



#### دکتر جان‌اله کریمی مطهر<sup>۱</sup>

استاد زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

رئیس انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی

عضو هیأت مدیره انجمن ایران‌شناسی ایران

#### چکیده

فارس - ایران با فرهنگ چندهزارساله و زیبایی‌های طبیعی و جذابش در بسیاری از آثار اندیشمندان و هنرمندان بزرگ روسی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌است. آنها حتی با بهره‌گیری از حکمت و فرهنگ ایران کهن، دیدگاه‌های خود را درباره مسائل گوناگون جامعه بیان می‌کردند. حکمت پارسی و طبیعت زیبا و اسرارآمیز این سرزمین کهن بر صاحبان اندیشه در کشور همسایه شمالی تأثیر بسزایی داشت و سیاحان روسی را مبهوت می‌کرد؛ چنانکه می‌بینیم خورشید شعر و ادب روسی، الکساندر پوشکین، شاعر بزرگ سده نوزدهم میلادی، در شعری که به فاضل خان گروسی ادیب و شاعر دوران

<sup>1</sup> Email: jkarimi@ut.ac.ir; ORCID: 0000-0002-6072-5797



قاجار اهدا کرده بود، کشور خود را سرزمینی ناامید که اگر چه سرد و یخبندان است، ولی در آنجا سعدی و حافظ نام‌هایی آشنا هستند.

اندیشمندان و هنرمندان روسی از مکان‌های جغرافیایی ایران، دماوند سترگ و البرز باشکوه، کرانه‌های سرسبز در شمال تا عظمت خلیج فارس در جنوب؛ و از باغ‌های ایرانی در تبریز و شیراز در آثار خود سخن گفته‌اند.

بررسی نقشه‌ها، اطلس‌های جغرافیایی و آثار ادبی روسی نشان می‌دهد که نقشه‌نگارها (کارتوگرافها) و فرهنگ‌نگارهای بزرگ روسی در دوره‌های مختلف - حتی در سده‌های اول میلادی - در آثار خود خلیج فارس را بر اساس نام قدیمی یونانی آن، Sinus Persicus که در زبان روسی персидский залив است، نشان داده‌اند. شاعران و هنرمندان روسی نیز در دوره‌های مختلف در آثار خود به توصیف عظمت خلیج فارس پرداخته‌اند.

در مقاله، ضمن ارائه تعدادی از نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی روسی و توضیح راجع به آنها، به بررسی و تحلیل چند نمونه از آثار شرقی-ایرانی هنرمندان روسی با موضوع خلیج فارس خواهیم پرداخت.



## خلیج ایران

### بر نقشه‌های دوره‌ی ناصری

#### مهندس رضا شیرازیان

پژوهشگر نقشه‌ها و اسناد اطلاعات مکانی

#### چکیده

مطابق اسناد باقی‌مانده به نظر می‌رسد نقشه‌نگاری و کاربردی نقشه‌ها در مباحث ملی از دوران سلطنت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) آغاز شده‌است. نقشه‌ی مسیر سفر محمد شاه از دارالخلافه‌ی تهران به قصد تنبیه ترکمانان گرگان (۱۲۵۲ق)، نقشه‌ی راه آذربایجان الی قزوین (۱۲۵۳ق)، نقشه‌های محاصره‌ی قلعه‌ی هرات (۱۲۵۳ق)، نقشه‌ی راه لواسان (۱۲۵۳ق)، و نقشه‌ی کلات نادری و اطراف (۱۲۶۴ق) تعدادی از نقشه‌های شاخص آن دوران هستند که امروز در آرشیوهای ملی ما بر جای مانده‌اند. در این دوره خبری از نقشه‌های کلان‌نگر ایران و منطقه نیست یا حداقل تا امروز شناسایی نشده‌است. از طرفی مطمئن نیستیم که دو یا سه نقشه‌ی بدون تاریخ ایران را می‌توان به این دوران نسبت داد یا خیر.

اما از شروع دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)، نقشه‌های سرزمینی ایران و مناطق اطراف به زبان فارسی تهیه و بعضاً به تعداد چاپ گردید. این کار با

راه‌اندازی دارالفنون (۱۲۶۸ق) و آموزش نقشه‌برداران و نقشه‌نگاران، توسعه کمی و کیفی یافت؛ به طوری که از اواخر دوره ناصری و به ویژه دوره مظفری، نقشه از یک کالای حکومتی به یک کالای عمومی تبدیل شد و به صورت خصوصی تولید و فروخته می‌شد.

نکته جالبی که در نقشه‌های سراسری ایران دوره ناصری دیده می‌شود، استفاده از نام «خلیج ایران» است. جالب اینکه در نقشه‌های جزئی یا منطقه‌ای همان دوران، نام‌های «خلیج فارس» یا «بحر عجم» مشاهده می‌شود؛ اما در قریب به اتفاق نقشه‌های سراسری ایران، از نام «خلیج ایران» یا «دریای بندر بوشهر» استفاده شده است. تنها در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) است که نام «خلیج فارس» بر روی نقشه‌ها تثبیت می‌شود.

در این پژوهش چهار نقشه سراسری ایران در دوره ناصری و یک نقشه از دوره مظفری با عنوان درج شده «خلیج ایران» معرفی می‌گردند:

- نقشه ممالک محروسه ایران (بدون تاریخ)،

- نقشه مملکت ایران (۱۲۶۶ق)،

- نقشه ممالک محروسه ایران (۱۲۶۷ق)،

- نقشه تمام ممالک محروسه دولت علیّه ایران (۱۲۸۶ق) و

- نقشه تمام ممالک محروسه دولت علیّه ایران (۱۳۱۴ق).

بخش دوم

# خلیج فارس در همان معاصر



## کوچ بردارهای توسعه

### از شمال به جنوب خلیج فارس

#### دکتر محمدتقی رهنمایی

عضو هیأت علمی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

#### چکیده

مروری بر منابع نوشتاری درباره خلیج فارس نشان می‌دهد که سواحل و جزایر واقع در شمال این دریا پیوسته شکوفایی خاصی داشته؛ درحالی که سواحل جنوبی آن کم‌فعال بوده و اغلب در انزوای جغرافیایی قرار داشته‌است. جدا از برخی واحه‌های قبیله‌ای در کنار چشمه‌ها یا چاهها، کانونهای جمعیتی فعالی در سواحل جنوبی وجود نداشت که آنها نیز اغلب با یکدیگر در ستیز بودند و با غارت چادرهای هم‌امرار معاش می‌کردند. این در حالی بود که در سواحل شمالی، جنب و جوش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای جریان داشت. فعالیت بنادری همچون سیراف، گمبرون، هورمز، حریره در کیش، خرمشهر، آبادان، بوشهر، لنگه و مقام، همگی حاکی از آن است که بار عمده توسعه منطقه‌ای در شمال خلیج فارس مستقر بوده‌است.

دادوستدهای کالایی و تجارت برده و کنیز از گستره خلیج فارس فراتر رفته بود و تا سواحل شبه قاره هند و شرق آفریقا نیز می‌رسید. نفوذ و شهرت بازرگانان پارسی از ایالت فارس در شرق آفریقا، به‌ویژه در مقدسیه (موگادیشو) و ینبع، آنچنان بود که هنوز هم ساکنان بومی آنجا نام فرزندان خود را شراز (شیراز)، جمشید یا فیروز می‌گذارند.

در دوره صفویه، تحرک سیاسی و نظامی ایران در خلیج فارس شدت گرفت و امامقلی خان فرزند الله‌وردی‌خان که فرماندهی قشون ایران را بر عهده داشت، توانست اشغالگران پرتغالی را از خلیج فارس بیرون کند و در این دریا حضوری فعال داشته باشد. این رونق در دوره قاجار با رکود زیادی همراه شد تا جایی که تقریباً بیشتر جزایر و سواحل شمالی خلیج فارس در انزوای جغرافیایی شدیدی قرار گرفتند. تنها بنادر بوشهر و عباس به دلیل حضور نمایندگان سیاسی و اقتصادی بریتانیا در آنها، از رونقی نسبی برخوردار بودند و آن هم در جهت منافع کمپانی هند شرقی بود.

از دهه ۱۳۴۰ خ دولت ایران به تدریج در صدد برنامه‌ریزی برای توسعه سواحل و جزایر خلیج فارس برآمد که لازمه‌اش تأمین امنیت این دریا از طریق تقویت نیروی دریایی، هوایی و زمینی در استانهای ساحلی آن بود. با تقویت اسکله‌های بندرعباس و بوشهر، بخشی از عملکرد تجاری خرمشهر به این بنادر منتقل شد. عملیاتی شدن توسعه گردشگری در جزیره کیش را می‌توان سرآغاز یک سیاست ترکیبی غیر وابسته به نفت در خلیج فارس به شمار آورد. بازسازی قلعه پرتغالیها در هرمز، احداث تأسیسات نفتی در جزیره لاوان و نظامی در ابوموسی، و همچنین تهیه طرح توسعه جزیره قشم و بهبود تأسیسات زیربنایی آن در ادامه همین سیاستها بود.

این روند با پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ ویرانگر عراق و ایران بر هم خورد و رکودی فراگیر بر منطقه حاکم گشت. پالایشگاهها، سکوهای نفتی و تأسیسات بندری به شدت آسیب دیدند؛ انبارهای جزیره کیش غارت شد و هتلهای و ساختمانهای آن تخریب و به محل نگهداری بز تبدیل شدند؛ صید مروارید متوقف شد؛ کشتی میکال آنژ در اسکله بندرعباس پوسید و مجسمه امامقلی خان که در انبار گمرک خاک می خورد، سالها بعد طی مراسم خاصی در قشم نصب شد. در سالهای بعد از جنگ، کوششهای

پراکنده‌ای برای باززنده‌سازی روند توسعه منطقه‌ای انجام گرفت که تنها بخش نفت و گاز آن تا حدودی موفق بود.

در این دوره که با آشفتگی‌های بسیار در تصمیم‌گیری همراه بود، شیخ‌نشینهای جنوبی خلیج فارس از خواب تاریخی بیدار شدند و از فرصتی که انقلاب اسلامی ایران برایشان فراهم کرده بود، نهایت استفاده را بردند. بندرگاهها و اسکله‌های مجهزی ساختند؛ فرودگاهها را برای پروازهای بین‌المللی تجهیز کردند؛ در جای بیغوله‌های کاهگلی، ساختمانها، برجها و شهرهای مدرن ساختند؛ بسترهای حقوقی و قانونی جذابی برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آوردند و رفاه فراگیری برای مردم خود تأمین کردند؛ و در کمتر از سه دهه، از جوامع قبیله‌ای جوامع مدرنی ساختند. زیر پوست این رونق پر زرق و برق هر چه باشد، موضوع دیگری است؛ اما آنچه دیده می‌شود، این است که بسیاری از برنامه‌ها و طرحهای توسعه‌ای که قرار بود در شمال خلیج فارس به اجرا درآید، به جنوب این دریا کوچ کرد. شیوخ قبایل بادیه‌نشین جنوب که روزگاری محتاج شیوخ خویشاوند خویش در سواحل و جزایر شمال بودند، به جایگاهی رسیدند که خویشاوندان ایرانی خود را پناه دهند و برایشان زندگی مرفهی فراهم آورند. برخی از اینان حتی از هویت ایرانی خود دست کشیده، به تابعیت کشورهای جنوبی درآمدند.

این کوچ تاریخی توسعه از شمال به جنوب خلیج فارس نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران به شمار خواهد آمد و نباید به سادگی از کنارش گذشت. آنان به جای استراتژی نظامی و امنیتی، استراتژی توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را انتخاب کردند؛ اما ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم و دلخوش به قایقهای موتوری سریع‌السير که با آنها روی امواج بتازیم. اما بدون هیچ تردیدی، خلیج فارس دوباره هویت ایرانی خود را باز خواهد یافت و نگاه جهانیان باز به سوی ساکنان شمال این دریای زیبا خواهد چرخید. تنها عامل زمان است که باید فرا برسد.



## خلیج فارس و هویت ملی ایرانی؛ دیرینگی، ماندگاری، روزآمدی

### محمدعلی عزت‌زاده<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی؛ بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی  
عضو هیأت مدیره و دبیر انجمن ایران‌شناسی ایران

### چکیده

جهان امروز، جهان فناوری و ارتباطات، و جهان از خودیگانگی و مسخ هویت انسانها و تحمیل هویت‌های برساخته بر جوامع انسانی است. مسخ هویت جوامع انسانی و تحمیل هویت‌های برساخته بر آنها، بزرگترین خطر برای موجودیت ملت‌های کهن با هویت‌های دیرینه و ریشه‌دار بوده و بیشترین آسیب را به آنان زده‌است. از این رو، ملت‌های جهان کوشیده‌اند و می‌کوشند با تحکیم عناصر هویتی خود از طریق آموزش جغرافیا، تاریخ، زبان، فرهنگ، دین، آداب و رسوم و... از موجودیت خود در برابر تهاجم هویت‌های ناسازگار پاسداری کنند. ایران و هویت ایرانی بیش از یک سده است که آماج این تهاجم سنگین بوده و ایرانیان کوشیده‌اند با برکشیدن و روزآمد ساختن عناصر هویتی و موارث فرهنگی ایران، از موجودیت ملت و هویت خود دفاع کنند و آن را استحکام بخشند. خلیج فارس

<sup>۱</sup> Email: aliezzatzadeh@ut.ac.ir; ORCID: 0000-0002-1133-1599



از جمله مهمترین عناصر هویتی و موارث فرهنگی ایران است و از همین روست که برای ایرانیان جنبه حیثیتی به خود گرفته است.

هویت یا کیستی هر انسان از فضا و زمان زندگی او سرچشمه می گیرد. انسان جاندار گویاست و زبان، نشانه اصلی تمایز او از دیگر جانداران؛ ابزار بیان اندیشه اش و برقراری ارتباطش با دیگر انسانها. انسان همچنین موجودی اجتماعی است و هویت جوامع انسانی از فضا و زمان زندگی اعضای آن، یعنی جغرافیا و تاریخ مشترک، و زبان ارتباطی میان آنان شکل گرفته است. از این روست که جغرافیای مشترک، تاریخ مشترک و زبان مشترک سه رکن اصلی هویت ملتها به شمار می آیند و همه مؤلفه ها و عناصر دیگر هویتی انسانها را در دل خود جای می دهند یا کم اثر می سازند. هویت ملی ایرانی که در طول چند هزاره تاریخ ایران شکل گرفته و تغییر و تحول بسیار نیز یافته، همواره ریشه در جغرافیای ایران، تاریخ ایران و زبان فارسی داشته که در سه دوره تکامل زبانی از باستانگان تا امروز، زبان ملی و فرهنگی ایرانیان بوده است.

خلیج فارس، با نام باستانی «دریای پارس»، از مهمترین نمادهای هویت ملی ایرانی است؛ با هر سه رکن جغرافیا، تاریخ و زبان ملی ایران پیوند نزدیک دارد و هم به صورتی نمادین و هم به شکلی کاملاً کارساز بر هر سه رکن یادشده هویت ملی ایرانی اثرگذار بوده است. پژوهش پیش رو می کوشد با تکیه بر مبانی جامعه شناختی هویت و به یاری شواهد و اسناد، این پیوند نزدیک و چگونگی شکل گیری آن را بازنمایی کند؛ و همپایی دیرینگی و ماندگاری خلیج فارس با هویت ملی ایرانی و اهمیت نقش آن در روزآمد و اکنونی ساختن هویت ملی ایرانی را به نمایش گذارد.



شرح کوتاهی بر جستار

«نگاهی بر نام خلیج فارس

در دو سند دولتی کشور عربی سعودی»

### مجید کریمی یزدی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه دولتی ایروان  
پژوهشگر اسناد، تاریخ و مطالعات ایران و قفقاز

### چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، زمزمه‌های ملی‌گرایی عربی بالا گرفت و آهسته آهسته و شوربختانه پیامدهای گوناگون آن به نامگذاری جغرافیایی تاریخی پهنه آبی خلیج فارس نیز رسید و دولت‌های نوبرآمده شیخ‌نشین نیز به پیروی از همان هیجان‌های ملی‌گرایانه عربی، کوشیدند تا نام تاریخی و جغرافیایی این پهنه آبی از کران عمان گرفته تا دهانه اروندرود را عربی کنند.

این جستار درباره بررسی دو سند از اسناد ملی و رسمی کشور عربی سعودی پیش از جنگ جهانی دوم و پیدایش کشورهای پادشاهی عربی در نوار جنوبی پهنه آبی خلیج فارس است. این دو سند نامه‌نگاری عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل الفیصل، پادشاه سعودی، به فرمانده و فرانشین دولت بریتانیا در خلیج فارس است که شاه فیصل در هر دو نامه با

---

<sup>۱</sup> Email: Karimmj@yahoo.com

خط خود از این پهنه تاریخی بنام خلیج فارس یاد کرده؛ و هر دو نامه دارای مهر رسمی فیصل و تاریخ است.

این دو سند گواهی بر آن است که در مکاتبات عربی پیش از جنگ جهانی دوم تا اندکی پس از آن تا دهه ۱۹۶۰، همه نام‌نگاری‌ها با دیگر کشورها در این پهنه، همواره با نام رسمی «خلیج فارس» بوده است. در این نامه‌ها، شیوخ عرب از این آبراهه تاریخی به نام «فارس» یاد کرده‌اند و تنها نوشته‌ها و نقشه‌های تاریخی ایرانی گواه بر نام این پهنه آبی نبوده است. این نام شناسنامه تاریخی و جغرافیایی این آبراهه است و نامی برساخته، خودساخته و نوساخته نیست.

از سوی دیگر، در بررسی این دو سند درمی‌یابیم که فرماندهان نیروی دریایی و حاکم‌نشین بریتانیا در خلیج فارس هم در نام‌نگاری‌های رسمی، نامی جدا از نام خلیج فارس را بر این آبراهه نیاورده و آنها هم نام این پهنه آبی را خلیج فارس نوشته‌اند.

## میراث خلیج فارس

### در شرق آفریقا



#### دکتر مرتضی رضوانفر

عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

#### چکیده

پروژه «بررسی کتیبه‌های فارسی در جهان»، طی چند سال اخیر به صورت میدانی در بخشهایی از کشورهای چین، بنگلادش، هند، پاکستان، تاجیکستان، روسیه، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، تانزانیا، کنیا و... انجام پذیرفته است. این کتیبه‌ها خط سیر حضور و تأثیر فرهنگ ایرانی و فارسی را از شرقی‌ترین قسمت آسیا یعنی بنادر شرقی چین (ماچین)، تا کشورهای تانزانیا و کنیا در آفریقا نشان می‌دهد.

کتیبه‌های تاریخی در زمره مهم‌ترین و معتبرترین منابع پژوهشی برای تاریخ و فرهنگ به شمار می‌آیند زیرا در مقایسه با اسناد و کتب، کمتر امکان تحریف یا جابجایی در آنها وجود دارد. کتیبه‌های فارسی با توجه به علاقه برخی از حکام عثمانی به شعر فارسی و همچنین گرایش گروههای متصوفه در قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره، به استفاده از اشعار فارسی خصوصاً در تزیینات معماری و مقابر، باعث گسترش کتیبه‌های اشعار فارسی

در این مناطق شده‌است. به نظر می‌رسد دانشمندان، عارفان و امرای بسیاری در منطقه، فارغ از مرزهای سیاسی، مذهبی و زبانی، شعر فارسی را کلام حکمت، عرفان و تصوف می‌دانستند.

جغرافی‌نگاران اسلامی چون اصطخری و ابن حوقل، از خلیج فارس تا شرق چین را «بحر الفارسی» نیز نامیده‌اند زیرا گُلنی‌های ایرانی مانند «شیرازیها» در شرق آفریقا، «آفاقی‌ها» یا «غربا» در جنوب و غرب هندوستان، و «هوی هوی» در بنادر شرقی چین؛ همه دارای آثاری از دورهٔ اقتدار ایرانیان در کشتی‌سازی، تجارت و دریانوردی در مسیر راه ابریشم دریایی است.

متأسفانه محققان ایرانی کمتر از محققان چینی دربارهٔ تأثیر فرهنگ ایران در مسیر راه ابریشم پژوهش کرده‌اند. یکی از دلایل علاقه پژوهشگران چینی به مطالعهٔ فرهنگ ایران، نقش ایران در حضور و گسترش پنج دین بزرگ مانویت، مسیحیتِ نستوری، زرتشتی، بودیسم (از مسیر بلخ) و اسلام در سرزمین چین بوده‌است. از هر یک از این ادیان، آثار و اشیائی کتیبه‌دار در سرزمین بزرگ چین و به تبع آن در سرزمین‌های مسیر راه ابریشم، برجای مانده‌است که بسیاری از آنها در مهمترین موزه‌های جهان جلوه می‌کنند.

از سویی دیگر، حرکت شیرازی‌های ایران در قرن ۱۰ میلادی به شرق آفریقا، خط کشتیرانی از آفریقا به بنادر جنوبی ایران و از آنجا به بنادر شرقی چین و تجارت دریایی راه ابریشم توسط شیرازی‌ها را پایه‌گذاری کرد.

شیرازی‌ها بدون جنگ توانستند به مدت ۵۰۰ سال در شرق آفریقا شامل مناطقی از سومالی، کنیا، تانزانیا، موزامبیک و مادگاسکار، دولت‌شهرهایی تأسیس و حکومت کنند. شهر و جزیره کیلوا بعنوان اولین دولت‌شهری که توسط شیرازی‌ها تأسیس گردیده، با

داشتن آثار ارزشمندی از جمله دو مسجد زیبا (مسجد جامع و مسجد کوچک) و دو قصر باشکوه، در سال ۱۹۸۱م در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. شیرازی‌ها یا امپراتوری زنگ، در ۱۵۰۲م توسط پرتغالیها شکست خوردند. عمانیها با کمک ارتشی متشکل از سربازان عمدتاً بلوچ ایرانی، در سال ۱۶۹۸م پس از دو‌یست سال، پرتغالیها را شکست دادند و از سال ۱۸۳۲م پایتخت خود را از مسقط به زنگبار منتقل نمودند. این اقدام باعث شکل‌گیری چند کلنی از بلوچهای ایرانی در آفریقا گردید.

از شیرازی‌ها و بلوچهای مقیم آفریقا، نزدیک به ۱۵۰ بنای تاریخی در تانزانیا و کنیا باقی مانده‌است. همچنین اشیاء زیادی در موزه‌های این دو کشور آفریقایی وجود دارد که برخی از آنها دارای کتیبه‌های ایرانی است.

## خلیج فارس

### به‌مثابهٔ مرز بهداشت و سلامت ایرانیان



#### دکتر پیام شمس‌الدینی

دانش‌آموختهٔ دکتری ایران‌شناسی

بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

#### چکیده

از ابتدای قرن نوزدهم و فراگیر شدن بیماری‌های واگیردار، حاکمیت ایران در مرزهای آبی جنوبی خود با موضوع و مسألهٔ جدیدی روبه‌رو شد. موضوع تعیین بندر صحی رسمی ایران، پرهیز از سلطهٔ انگلیس و تعیین قرنطینه در خلیج فارس یکی از مسائلی بود که در اوایل قرن بیستم گریبان‌گیر دولت ایران بود. این مهم به همت دکتر امیرخان امیراعلم (۱۲۵۵-۱۳۴۰ش) در نخستین اجلاس صحی بین‌المللی پاریس (۱۹۰۲م/۱۲۸۰ش) مرتفع شد.

امیرخان امیراعلم همراه با نظر آقا امین‌السلطنه، وزیرمختار ایران در پاریس، به‌عنوان رئیس هیأت ایرانی و دکتر پیانوتی، پزشک مخصوص سفارت ایران در استانبول، در این اجلاس شرکت کردند. امیراعلم در نخستین نشست این اجلاس ضمن ایراد سخنرانی و ارائهٔ اسناد و مدارک، ایران را از خطر قیوموت پزشکی عثمانی و انگلیس رهانید و بندر بوشهر را به‌عنوان بندر صحی رسمی ایران معرفی کرد؛ و به همین دلیل مورد تحسین وزارت

خارجۀ فرانسه قرار گرفت و معاون وزیر امور خارجۀ آن کشور نشان درجۀ اول را به او اعطا کرد.

در این پژوهش، زمینه‌های پیدایش این مسأله و شیوۀ حل آن توسط پزشکان ایران به بحث گذاشته می‌شود.

### منابع:

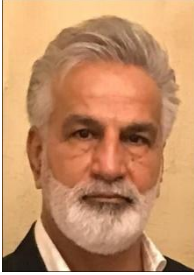
روستایی، محسن؛ تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه به روایت اسناد، تهران: ۱۳۸۲.

شمس‌الدینی، پیام؛ «امیراعلم، امیرخان»، در دائرةالمعارف تاریخ پزشکی ایران و اسلام (دایا)، زیر نظر دکتر علی‌اکبر ولایتی، جلد اول (آب-بک‌زاده)، تهران: انتشارات امیرکبیر + فرهنگستان علوم پزشکی ج.ا.ا.، ۱۳۹۰، صص ۸۶۶-۸۷۰.

موحدی، محمد مهدی؛ زندگینامۀ مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران، تهران: ۱۳۷۰.

یغمایی، اقبال؛ «امیراعلم؛ بیست‌وسومین وزیر معارف و اوقاف»، آموزش و پرورش، سال چهل و دوم، ۱۳۵۱.





## رازهای

## جزایر ایرانی خلیج فارس

### عباس آذرخش

نویسنده و پژوهشگر اسناد تاریخی

### چکیده

جدّم میرزا مهدی خان استرآبادی، صدراعظم نادرشاه افشار، سیاستمدار و نویسنده معروفی است. آخرین سندی که از او دارم، دست‌نوشته‌ای است در مورد وقف آب و ملک آباء و اجدادی اینجانب در روستای مؤمن‌آباد دامغان که به‌نوعی وصیت‌نامهٔ ایشان بوده و فامیل اصلی ما وزیری است با عنوان میرزا. از سال ۱۳۴۹ خبرنگاری و در نهایت گزارشگری را دنبال کرده‌ام و آشنای تاریخ هستم. امیدوارم بتوانم به‌مناسبت روز ملی خلیج فارس (۱۴۰۲/۲/۱۰)، حرف‌هایی را نخستین بار تقدیم کنم. رازها را با مرواریدهای غلطان خلیج فارس آغاز می‌نمایم.

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه      به حق اشهد ان لا اله الا الله

نخستین مروارید، پیشانی این شعر بر درِ ورودی ساختمان دکتر طیب در خیابان ساحلی بندر بوشهر، رو به خلیج فارس است. این در از چوب آبنوس و توسط هنرمندانی از هند ساخته شده‌است. نام شاعر را نمی‌دانم و استاد دکتر مشایخی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبهٔ بوشهر، باید اطلاعات بیشتری به بنده لطف فرماید.

دومین مروارید خلیج فارس، شهید سرلشگر خلبان هاشم آقا نام دارد که دیگر خلبانان او را مروارید خلیج فارس می‌شناسند. زیرا پس از شهادت، هواپیمای اف-۱۴ او به قعر دریا فرو رفت و اینک پس از حدود ۴۰ سال، خلیج فارس هواپیما و پیکر پاک او را چونان صدفی بزرگ مرواریدی غلطان در قلب خود جای داده‌است.

سومین مروارید خلیج فارس، حضور چهارگانه معابدی است در جزیره ایرانی خارگ که در تاریخ جهان بی‌نظیر و یگانه است. اما مزاده پیرمعد، بعد از آن کلیسای نسطوریان، بعد آتشکده زرتشتیان و در پایان، معبد نپتون الهه دریاها.

چهارمین مروارید خلیج فارس، حضرت حافظ شیرازی است که در قرن هشتم هجری به جزیره هرمز سفر کرده و در شعری، از سفر دریایی و موج و توفان دریا و گوهر (مروارید) نام برده‌است. این سفر و دلایل آن هنوز رازهایی از تاریخ در بر دارد.

پنجمین مروارید خلیج فارس، حضرت سعدی شیرازی است که در سفری به جزیره کیش با بازرگانی پول‌پرست به صحبت می‌نشیند. این صحبت در اصل زیر درخت معروف به «انجیر معابد» انجام گرفته و با توجه به زمان زندگی سعدی (قرن ۷ق)، می‌توان دریافت که امروز بیش از هزار سال از عمر این درخت در جزیره کیش گذشته و این روایت که درخت انجیر معابد پس از حضور پرتغالیها به سواحل و جزایر خلیج فارس راه پیدا کرده، نمی‌تواند درست باشد.

این درخت عجیب و بزرگ، خود ششمین مروارید خلیج فارس است. انجیر معابد که در جنوب ایران، خصوصاً در جزیره‌های ایرانی خلیج فارس با آن مواجه می‌شویم، نام‌های گوناگونی دیگری نیز دارد، از جمله لول؛ لور؛ بانیان؛ و سرانجام «مکر زنان»، به دلیل ریشه‌های هوایی و پیش‌رونده آن و حرف‌هایی دیگر. از میوه این درخت و شیر و صمغ

آن چون آدامس استفاده می‌شود. در جایی خواندم که خشایارشا، پادشاه هخامنشی، در حمله به یونان و شهر آتن شاخ و برگ این درخت مقدس آنان یعنی «انجیر معابد» را سوزانید.

هفتمین مروارید، ۱۸ نام مختلف خلیج فارس و به تعبیر بهتر، نام‌های بین‌المللی این دریا به زبان‌های زنده دنیاست و این سند خود گواه و شاهد زنده بودن تاریخ چندهزارساله این آبراه بین‌المللی ایرانی در کشورهای سراسر جهان.

هشتمین مروارید، کتیبه هخامنشی خارگ، کشف شده در سال ۱۳۸۶ است که متأسفانه قسمت عمده آن به دست افراد ناشناس تخریب شده‌است. ترجمه فارسی باقی‌مانده این سند گویای چندهزارساله خلیج فارس از دوره هخامنشیان چنین است: «این سرزمین خشک و بی‌آبی بود، شادی و آسایش [را به آن] آوردم.»

نهمین مروارید، کلمه «رَبَّان» یا چوپان ماهی‌هاست که به راهنمایان کشتی‌های ماهیگیری و صید صدف و مروارید اطلاق می‌شد و در «أُمُّ الرَّبَّانِین»<sup>۱</sup>، یکی از نام‌های جزیره خارگ، نیز آمده‌است. این افراد در کنار دریا، بر بلندی می‌نشستند و با نگاه دقیق به دریا، صیادان را راهنمایی می‌کردند. در نتیجه، صید آنقدر زیاد بود که ماهی‌های اضافی را به جای علف به بزها می‌دادند و آنها از ماهی تغذیه می‌کردند!

و سرانجام، دهمین مروارید خلیج فارس، لزوم تهیه ویزا برای سفر ایرانیان به جزایر نفتی خارگ، سیری و لاوان است که به تفصیل همراه با دیگر موضوعات از قبیل اضافه شدن مساحت جزیره خارگ، مراسم محلی و آیینی جزایر، مانند «زار» و «لی وا» و... در مقاله نهایی خواهد آمد.

---

<sup>۱</sup> به معنی «وطن ناخدايان».

به پایان آمد این دفتر

حکایت همخان باقی

